

مادرانه

صفری پیله‌چی‌ها، مادر شهید مجید روغنی:
هشت سال طول کشید
تا استخوان‌های مجید را آوردند!



چند روزی گذشته بود که مجید تلفن زد و برادرانم برای بدرقهش تا سیاهی رفته، و کمی با هم صحبت کردیم. ازین آن همه حرف‌ها فقط بامد هست که گفت: مادر من حالم اما در آخرین مرخصی اش به من گفت: مادر خوب است، چشم به راه من نباشد.

نمی‌خواهم خاله‌ها و دایی‌ها را با خبر کنید، حال دیگر ۲۵ روز از رفتنش گذشته بود، توی کلاس قرآن متشغول خواندن ایات خداوند بودم که اقای گفت: عملیات کربلای ۴ شروع شده است: دویاره توی دلم اشوب به پاشد. تویانستم بمانم، رفتم خانه.

اویل که مجید به چبهه می‌رفت خواهرا و برادرانم برای بدرقهش تا سیاهی رفته، حرف‌ها فقط بامد هست که گفت: مادر خوب است، چشم به راه من نباشد.

نمی‌خواهم خاله‌ها و دایی‌ها را با خبر کنید، من خودم برای خداخافته می‌روم، این طوری توی کلاس قرآن متشغول خواندن ایات خداوند بودم که اقای گفت: عملیات کربلای ۴ شروع شده است: دویاره بود و باران شدیدی می‌بارید، اصرار کرد که من به سیاهه برای بدرقهش نزوم و او رفت با همه‌ی فایبل مدارج اخلاقی کرد و دویاره به خانه آمد، گفت: برای چی امده؟ مرا پختونه، برای صدای بلند و مثل پیوهای مادر مرده در آخونش گرفت و گفت: امدادم یک بار دیگر شما را بینم و بروم؛ این بار برخلاف همیشه ایران: مسلمان، کلیمی، مسیحی و رژیست نمی‌شوند. همه آمدن، پیر، جوان، زن و مرد به میدان آمدند تا صدام می‌جوشید. طاقت‌نیاردم، تاکسی گرفتم و رفمن که این یک هفتگی وی توانند یک هنگامی به تهران برند و باران غربی وی توانند یک هنگامی به تهران برند و این یک هفتگی ۸ سال طول بکشد و سرانجام نیز شکستی مفخرانش را قبول کند.

دفع مقصد تنها یکی از عرصه‌های بود که بخوبی ید واحده ملت ایران را به رخ جهانی کشاند، دشمنان این ملت همواره در طول تاریخ با استفاده از توطه‌ها و نقشه‌های شوم در تلاش بودند و هستند تا این وحدت خشیده‌دار کنند، اما مردم ایران در هشت سال فاعل مقدس نشان داد این وحدت و انسجام رشته در بصیرت ایمان و داشتم، مجید خداخافته کرد و سوار اتوبوس شد. از آسمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های فاعل مقصد تهیه و تنظیم: سرهنگ ستاد قاسم اکبری مقدم من با آن قاطی شده بود.

حسن شکیب زاده

شهداي اديان توحيدی، نماد وحدت و همگرایي اديان آسماني در نظام اسلامي

قسمت دوم و پايان

در دل مادران، پدراران، پدرادران و خواهان شهداء مسیحی را می‌شنوند و یاد شهداء مسیحی را گرامی می‌دارند و مقام سامانه شهداء ادیان تویان تقدیم کردند و بیرون مسیحی را ارج می‌نهند و خانواده اتنان مورد تقاضه و خانواده اتنان مورد تقاضه و دلخوشی قرار داشتند و باید از خاطرات و بیانات ایشان آروزی سلامت، توفیق،

و عاقبت بخیری می‌نمایند و بازگرها از خاطرات و مسائل مربوط به مسیحیت و با جوانان درباره تحصیلات و کارشناس و توصیه و تأکید به استفاده از فرصت ناب جوانی و تدبیل آن به سرمایه سفارش می‌کنند. برای خانواده‌های ادیان توحیدی، ضرور در منطقه جنگی «سومار» گردید. سرانجام بعد از شش ماه خدمت در سال ۱۳۶۶، تکاور آبرات الله آدم دادیان در حضور صدعاًن از مردم شهید اثر اسایت تکش توب دشمن یعنی در منطقه جنگی «سومار» به شهادت رسید.

پیک پاک شهید «آبرات الله دادیان» پس از انتقال به شهادت رسید. پیک پاک شهید «آبرات الله دادیان» پس از انتقال به شهادت رسید.

آموزشی ۰۳ نیروی زمینی ارتشد در «عجب شیر» استان آذربایجان شرقی به پایان رساند. بعد از آن برای گزناند دوست تکاوری به کرج منتقل گردید. لازم به ذکر است

اديان توحيدی در دفاع مقدس

ابتداي و راهنمایي، از ديرستان «مریمیان» فارغ التحصيل

آذربایجان معرفی نمودند. پس از از طی دوران مقدس سربازی دوران آموزشی به «گروه ۳۳» تهیخانه نزاچا» منتقل گردید. و به جبهه اعزام گردید. وی بعد از بیست و دو روز آموزش، به منظور دیدار

از خانواده، دو نوبت به مرخصی حین مأموریت به شهادت رسید.

پیک پاک شهید «بوغوسیان» گردید. سرانجام بعد از شش ماه خدمت وحضور در جبهه

و نبرد با دشمن بعثی، سرانجام حین مأموریت به شهادت رسید.

پیک پاک شهید «بوغوسیان» پس از انتقال به تهران به خاک

ترسیرات مخصوص مذهبی با تکاور آبرات الله آدم شهید از مردم شهید

پس از قطعه شهداء از امنی گردید. سرانجام بعد از شش ماه خدمت در سال ۱۳۶۶، تکاور آبرات الله آدم دادیان در حضور صدعاًن از مردم شهید

پس از انتقال به تهران به خاک

سپرده شد.

پیک پاک شهید «آبرات

الله دادیان» پیش از انتقال به تهران و انجام ترسیرات

با حضور گسترده اقلیت‌های دینی و مخصوص مذهبی با حضور گسترده اقلیت‌های دینی و خودون.

تکسون درباره نقش ادیان توحیدی ایرانی و پیغمبر مسیحیان در دفاع مقدس و شهداء آنان، کتابهای منتشر شده است که می‌توان به کتابهای از قبیل: جایگاه مسیحی، الاه‌های سرخ اندیل - گل مریم - چنگ

تحمیلی هشت ساله و ارمنه اشارة نمود.

اینگریزی، اسارت، ایانزی و شهادت مسیحیان در قطعه شهداء آرمنه ارمنه از مدارس ارمنه خاک سپرده شد. در آرمنستان ارمنه تهران، قطعه شهداء

راهنمایی در مجتمع تحریلی «حضرت مریم مقدس» (انستیتو مریم)، به دنبال فراگیری حرفة فیضی، مخصوص مذهبی با حضور گسترده اقلیت‌های دینی و خودون.

فرزند «تادئوس» و «هاسپیک» در بهار ۱۳۴۵ در تهران متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در مدارس ارمنه

را انتخاب نمود. او پس از طی دوره آموزشی در پادگان آموزشی نیروی زمینی ارتشد در تهران به چهه «سریل

ذهاب» قفسه‌شیرینین منتقل شد. در محل خدمت، ملوان گروه در یکی از یگانهای ارتشد در منطقه بوده. در خالل یک مخصوصی پانزده روزه، مراسم نامزدی «ادیک نیز برگزار گردید.

مادر شهید روایت می‌کند: بعد از آن مدت به ادیک گفتم یک روز هم بمان، بعد برو. گفت: نه مادر جان من روزه هم اضافه در تهران مانده‌ام و هر روز تا خیر، ۲۰ روز اضافه خدمت دارد. به او گفتم، یعنی تو حالاً ۶۰ روز باید اضافه خدمت کنی؟

خدید و گفت: نه مادر، برای امیر خیر، انشاعله که هیچ مشکلی پیش نخواهد آمد.

در پیجمن مهر سال ۱۳۶۲ در منطقه عملیاتی سریل ذهاب (ادیک) پس از حدود ۱۸ ماه خدمت به درجه رفیع شهادت نائل آمد. هنگام مراسم مخصوص مذهبی، اسقف اعظم ارمنه تهران، شادروان خلیفه «آبرات» و «تائیری» گزراست. بعد از اتمام تحصیلات برای شهیدان از امنی ارتشد در تهران به چهه «سریل

گروه در یکی از یگانهای ارتشد در منطقه بوده. در خالل یک مخصوصی پانزده روزه، مراسم نامزدی «ادیک نیز

برگزار گردید. شهید روایت می‌کند: بعد از آن مدت به ادیک گفتم یک روز هم بمان، بعد برو. گفت: نه مادر جان من روزه هم اضافه در تهران مانده‌ام و هر روز تا خیر، ۲۰ روز روز اضافه خدمت دارد. به او گفتم، یعنی تو حالاً ۶۰ روز باید اضافه خدمت کنی؟

خدید و گفت: نه مادر، برای امیر خیر، انشاعله که هیچ

اذکر نیست. این یکی از یگانهای ارتشد در منطقه بوده. در خالل یک مخصوصی پانزده روزه، مراسم نامزدی «ادیک نیز

اینگریزی، اسارت، ایانزی و شهادت مسیحیان در قطعه شهداء آرمنه ارمنه از مدارس ارمنه خودش را در آرمنستان را در واژه‌ای چون وطن و

استکارستیزی به تماش گذاشت. تدقیق مقدس ساله ایران: مسلمان، کلیمی، مسیحی و رژیست نمی‌شاخت.

همه آمدن، پیر، جوان، زن و مرد به میدان آمدند تا صدام

تکاوری شهیدان از امنی ارتشد در تهران به چهه «سریل

گروه در یکی از یگانهای ارتشد در منطقه بوده. در خالل یک مخصوصی پانزده روزه، مراسم نامزدی «ادیک نیز

برگزار گردید. شهید روایت می‌کند: بعد از آن مدت به ادیک گفتم یک روز هم بمان، بعد برو. گفت: نه مادر جان من روزه هم اضافه در تهران مانده‌ام و هر روز تا خیر، ۲۰ روز روز اضافه خدمت کنی؟

خدید و گفت: نه مادر، برای امیر خیر، انشاعله که هیچ

مشکلی پیش نخواهد آمد.

در پیجمن مهر سال ۱۳۶۲ در منطقه عملیاتی سریل ذهاب (ادیک) پس از حدود ۱۸ ماه خدمت به درجه رفیع شهادت نائل آمد. هنگام مراسم مخصوص مذهبی، اسقف اعظم ارمنه تهران، شادروان خلیفه «آبرات» و «تائیری» گزراست. بعد از اتمام تحصیلات برای شهیدان از امنی ارتشد در تهران به چهه «سریل

گروه در یکی از یگانهای ارتشد در منطقه بوده. در خالل یک مخصوصی پانزده روزه، مراسم نامزدی «ادیک نیز

برگزار گردید. شهید روایت می‌کند: بعد از آن مدت به ادیک گفتم یک روز هم بمان، بعد برو. گفت: نه مادر جان من روزه هم اضافه در تهران مانده‌ام و هر روز تا خیر، ۲۰ روز روز اضافه خدمت کنی؟

خدید و گفت: نه مادر، برای امیر خیر، انشاعله که هیچ

مشکلی پیش نخواهد آمد.

در عین حال غصه‌تیم فوتیال «آبرات» بیرون با هوش

ریبر معلم انتقام رفته است. از آرمنستان، در کوتاه‌ترین زمان ممکن ذاتی فرق العادی که داشت، در کوتاه‌ترین زمان ممکن

به مکانیک ماهر تبدیل شد، به نحوی که در تعمیرگاه شهید شرکت کردند. روز هشتم مهر مکانیک «آبراد» مانوکیان، هم‌چنان و میکشان و سرمهان خود را در یکی از این مکانیک‌ها در تهران خلیفه «آبراد» شد.

پیک شهید «گارنیک بوغوسیان» در گلزار شهیدان امنی ارتشد در تهران به چهه «سریل

گروه در یکی از یگانهای ارتشد در منطقه بوده. در خالل یک مخصوصی پانزده روزه، مراسم نامزدی «ادیک نیز

برگزار گردید. شهید روایت می‌کند: بعد از آن مدت به ادیک گفتم یک روز هم بمان، بعد برو. گفت: نه مادر جان من روزه هم اضافه در تهران مانده‌ام و هر روز تا خیر، ۲۰ روز روز اضافه خدمت کنی؟

خدید و گفت: نه مادر، برای امیر خیر، انشاعله که هیچ

مشکلی پیش نخواهد آمد.

در عین حال غصه‌تیم فوتیال «آبرات» بیرون با هوش

ریبر معلم انتقام رفته است. از آرمنستان، در کوتاه‌ترین زمان ممکن ذاتی فرق العادی که داشت، در کوتاه‌ترین زمان ممکن

به مکانیک ماهر تبدیل شد، به نحوی که در تعمیرگاه شهید شرکت کردند. روز هشتم مهر مکانیک «آبراد» مانوکیان، هم‌چنان و میکشان و سرمهان خود را در یکی از این مکانیک‌ها در تهران خلیفه «آبراد» شد.

پیک شهید «گارنیک بوغوسیان» در گلزار شهیدان امنی ارتشد در تهران به چهه «سریل

گروه در یکی از یگانهای ارتشد در منطقه بوده. در خالل یک مخصوصی پانزده روزه، مراسم نامزدی «ادیک نیز

برگزار گردید. شهید روایت می‌کند: بعد از آن مدت به ادیک گفتم یک روز هم بمان، بعد برو. گفت: نه مادر جان من روزه هم اضافه در تهران مانده‌ام و هر روز تا خیر، ۲۰ روز روز اضافه خدمت کنی؟

خدید و گفت: نه مادر، برای امیر خیر، انشاعله که هیچ

مشکلی پیش نخواهد آمد.

در عین حال غصه‌تیم فوتیال «آبرات» بیرون با هوش

ریبر معلم انتقام رفته است. از آرمنستان، در کوتاه‌ترین زمان ممکن ذاتی فرق العادی که داشت، در کوتاه‌ترین زمان ممکن

به مکانیک ماهر تبدیل شد، به نحوی که در تعمیرگاه شهید شرکت کردند. روز هشتم مهر مکانیک «آبراد» مانوکیان، هم‌چنان و میکشان و سرمهان خود را در یکی از این مکانیک‌ها در تهران خلیفه «آبراد» شد.

پ